

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۹۲

۱۹ بهمن ۱۳۸۰

۸ فوریه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

اصغر کریمی

Tel: 0044-771-409-7928
asqar_karimi@yahoo.com

اسد گلچینی دبیر کمیته تشکیلات گل کشور
Tel: 0044-794-041-6768
asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب
Tel: 0046-739 855 837
r_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته مرکزی
سازمان جوانان کمونیست
Tel: 0049-174-944-0201

راديو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

تهدیدات بوش، استقبال خامنه ای



فاتح شیخ الاسلامی

«امپراتوری شر» است که بیست سال پیش توسط رونالد ریگان در مورد شوروی ابداع شده بود. جورج دبلیو بوش با این تقلید آشکار و آگاهانه می‌خواهد بگوید که مصمم است تلاش ناتمام ریگان و جورج بوش (پدر) برای تثبیت آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت جهان را به اتمام برساند. بوش با تعقیب یکجانبه قدرتمندی نظامی در خدمت ابرقدرتی آمریکا و با حمایت یکجانبه از اسرائیل، راه مبارزه موثر علیه تروریسم را انتخاب نمی‌کند، بلکه آب به آسیاب تروریسم اسلامی میریزد. در چنین شرایطی، تهدیدات نظامی بوش علیه رژیم عراق و جمهوری اسلامی نه فقط به تداوم حاکمیت کثیف آنها بر مردم خدمت میکند بلکه خواهد توانست کل منطقه را به آتش بکشد.

است. خودشان دارند دست همدیگر را رو میکنند. زدی ها و رشوه خواری ها چنان وسیع است که مشروعیت اخلاقی حکومت اسلامی را در میان طرفدارانش هم سلب کرده است. اسلام سیاسی و حکومت اسلامی زیر فشار متحد قدیمی خود، غرب و آمریکا، قرار گرفته است. در یک کلام اوضاع سیاسی عمومی برای یک مبارزه متحد و گسترده کارگران برای بهبود اوضاع خود و کل جامعه بسیار مہیاست. امسال میتواند سال بسیار متفاوتی باشد. میتواند سال افزایش چندین برابر دستمزد باشد. میتواند سال به میدان آمدن نیروی طبقاتی کارگران برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و کسب آزادی و برابری باشد. رفقا! در همه جا مجامع عمومی تان را برپا کنید. عوامل حکومت را طرد و تشکلهای طرفدار آنرا سریعاً منزوی کنید. مرجع اصلی تعیین دستمزد نه هیئت وزرا و خانه کارگر جمهوری اسلامی که خود شما هستید. برای یک زندگی انسانی حداقل، دستمزد شما

مبارزه مردمی را که فی الحال برای سرنگونی رژیم به میدان آمده اند قیچی کند. در ارتباط با رژیم عراق، ۱۱ سال است که آمریکا و غرب با سلاح کشتار جمعی تحریم اقتصادی، مردم عراق و کودکان عراق را می‌کشند و از این راه به رژیم صدام حسین امکان بقا میدهند. و بالاخره کره شمالی را تنها به این دلیل در ضلع مثلث "محور شر" جا داده اند که چنین محوری میتواند چارچوب بزرگتر و میدان مانور وسیعتری برای قلدری و قدرتمندی نظامی در اختیار بوش و هیات حاکمه آمریکا بگذارد. مرکز تروریسم اسلامی خاورمیانه است و رژیم کره شمالی در تغذیه تروریسم اسلامی نقشی برتر است از آمریکا دارد. واقعیت اینست که بوش و هیات حاکمه آمریکا در پی مقابله با تروریسم نیستند، بلکه با استفاده از فرصت ایدئولوژیک بی نظیری که تروریسم اسلامی با جنایت ۱۱ سپتامبر برایشان فراهم کرد و بویژه با هزیمت سریع طالبان، بجای یک مبارزه موثر علیه تروریسم و پایه های آن، تنها در پی تثبیت هژمونی سیاسی و نظامی آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت جهان هستند.

جنگالی بی تناسبی حول سخنرانی هفته قبل بوش براه افتاده است. بوش رژیمهای حاکم بر ایران و عراق و کره شمالی را در ارتباط با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی "محور شر" خوانده و آنها را تهدید کرده است! اما چه چیز تازه ای در این میان تازگی دارد؟ اینکه جمهوری اسلامی تروریست است؟ این را سالهاست ما و مردم آزادیخواه ایران و منطقه گفته ایم، این غرب و آمریکا بوده اند که در مقابله با قطب کمونیسم و چپ و آزادیخواه جوامع خاورمیانه، به طرق مختلف زیر بال اسلام سیاسی و رژیمهای اسلامی را گرفته اند. تهدید جمهوری اسلامی توسط بوش تا آنجا که به اقدام نظامی برگردد در شرایط کنونی محتمل نیست. اما به فرض محتمل بودن، واضح است که اگر بوش بخواهد به خامنه ای و دوام رژیمش خدمت کند، هیچ خدمتی بهتر از یک اقدام نظامی حتی در حد زدن یک بمب نخواهد بود. دلیل استقبال خامنه ای از رویارویی با تهدیدات بوش چیزی جز این نیست. دخالت نظامی آمریکا میتواند روند

فضای مبارزه برای افزایش دستمزدها در بین کارگران چنان است که مزدوران خانه کارگر جمهوری اسلامی به تک و تا افتاده و ادعا میکنند که پیشنهاد دو برابر و سه برابر شدن افزایش دستمزد را به شورایی عالی کار می‌برند. نقش آنها همانند گذشته این است که اولاً شورایی عالی کار جمهوری اسلامی را بعنوان مرجع تعیین دستمزد به خورد کارگران بدهند، ثانیاً خود را بعنوان "نمایندگان کارگران ایران" در مذاکره بر سر دستمزد جا بزنند، ثالثاً، و مهمتر، بعد که دولت افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی را اعلام کرد با کمی

به کارگران سراسر ایران: برای افزایش دستمزدها به میدان بیایید!

غروند قبول کنند و وعده بدهند "انشاء الله سال دیگر". چندین سال است که جمهوری اسلامی به کمک همین عوامل دست ساز خود (و البته با تکیه بر یکی از سیاه ترین اختناق های معاصر) زندگی کارگران را به فقر کشانده است. امسال سال تغییر این معادله منحوس است. معلمان فی الحال به خیابان آمده اند. مبارزه آنها و حمایت مردم از آنها جمهوری اسلامی را به تنگنا کشانده است. جمهوری اسلامی غرق در بحران حکومتی است. به پرونده جنایات سران حکومت، اکنون دزدیها و سوا استفاده های کلان هم اضافه شده

معلمان باید دستکم ده برابر میزان فعلی باشد. در مجامع عمومی تان حداقل دستمزد را تعیین کنید و اقدامات لازم برای عقب راندن جمهوری اسلامی و شورایی عالی کار کذایی را در دستور بگذارید. قطعنامه صادر کنید، اعتصاب و تظاهرات و راهپیمایی ترتیب دهید. در یکسال گذشته صدها اعتصاب کارگری سازمان داده اید، اکنون وقت یک مبارزه قدرتمند و متحد است. با کارگران سایر کارخانجات و با معلمان مبارزه تان را هماهنگ کنید. شرایط مساعد کنونی شما را به یک مبارزه متحد و قدرتمند فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ بهمن ۱۳۸۰

بازگشت به انقلاب

نگاه دیگری به انقلاب ۵۷

حمید تقوائی



و به انقلاب عظیمی که در تاریخ ایران بیسابقه بود شکل دادند. مهمترین خصوصیت انقلاب ۵۷ شرکت وسیع و تعیین کننده کارگران در آن بود. البته کارگران و زحمتکشان شهری در همه تحولات معاصر ایران به نحوی نقش داشته اند اما نقش و ثقل آنها در انقلاب ۵۷ کیفیتا از گذشته متفاوت بود. برای اولین بار در تاریخ ایران کارگران یک وزنه سیاسی و اجتماعی موثری را تشکیل میدادند. گرچه کارگران از تشکل صنفی و سیاسی محروم بودند و بویژه عدم وجود یک حزب کمونیست کارگری به آنان امکان دخالت مستقل در عرصه مبارزه سیاسی را نمی داد، اما علیرغم این نفس وجود اجتماعی این طبقه، و خواستها و تمایلات رادیکال خصلت متفاوتی به تحولات انقلابی در ایران می بخشید. و این عامل یک وجه تمایز اساسی انقلاب ۵۷ با تحولات قبلی نظیر انقلاب مشروطه و یا تحولات سالهای ۳۰ بود. این بار طبقه ای پا به عرصه مبارزه گذاشته بود که بنا به موقعیت اجتماعی-اقتصادی خواستههای رادیکالی داشت، میخواست نظام شاهنشاهی را زیر و رو کند و خواستار آزادی و برابری و عدالت اجتماعی بود. ما برای اولین بار در تاریخ تحولات سیاسی در ایران شاهد شکل گیری و گسترش شوراها و جنبش شورائی، در دست گرفتن کنترل کارخانه ها بوسیله کارگران و اعتصابات وسیع کارگری از جمله اعتصاب کارگران نفت با خواستههای سیاسی رادیکال، هستیم. اعتصابی که باذعان همه در آن دوره پشت رژیم شاه را شکست و عامل تعیین کننده ای در سرنگونی این رژیم بود. انقلاب ۵۷ مهر طبقه کارگر را بر خود داشت. بسیاری از ناظرین سیاسی و حتی نیروهای اپوزیسیون انقلاب ایران را یک انقلاب اسلامی میدانند. اما آنچه اسلامی بود در واقع ضد انقلاب بود و نه انقلاب. انقلاب با خواستههای شروع شد که هیچ اثری از اسلام در آن نبود. مردم علیه اختناق شاهنشاهی و برای آزادی و

خیابانها آمدند، تظاهرات های توده ای در شهرها به حرکت درآمد، اعتصابات کارگری گسترش پیدا کرد و باین ترتیب یک انقلاب عظیم توده ای پا گرفت. آنچه شاخص آن دوره بود اختناق کامل بود. در واقع رژیم شاه وضعیتی را در ایران بوجود آورده بود که مردم راه چاره ای بجز انقلاب نداشتند. هیچ نوع فعالیت مترقی ای اعم از سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و هنری مجاز نبود و هیچ نوع تشکل مستقلی در هیچیک از این عرصه ها اجازه داده نمیشد. رادیو تلویزیون و روزنامه ها همه در انحصار حکومت بود. فعالیت احزاب ممنوع بود. کارگران سندیکا نداشتند و هیچ نوع اعتراض و اعتصاب و ابراز وجود سیاسی نمیتوانستند بکنند، دانشجویان و فرهنگیان و اقشار دیگر مردم هم بهمین ترتیب هیچ نوع تشکل و فعالیت مستقلی نداشتند و حرفشان را نمیتوانستند بزنند، و هیچ روزنامه و مجله و کتابی بدون اجازه حکومت و اداره سانسور نمیتوانست منتشر شود. یک اختناق وسیع و فراگیری وجود داشت و این اختناق بخصوص در دوره نخست وزیری هویدا شدت پیدا کرد و حتی احزاب و روزنامه های خودی و نزدیک به حکومت هم در این دوره درشان بسته شد. از طرف دیگر از نظر اقتصادی توده وسیع کارگران شهری که اصلاحات ارضی آنها را خانه خراب و روانه شهرها کرده بود از ابتدائی ترین امکانات زندگی محروم بودند. دوره انقلاب ۵۷ بویژه مصادف بود با یک دوره رکود اقتصادی در سطح جهانی که بعد از دوره کوتاه رونق نفتی سالهای دهه چهل و اوایل دهه پنجاه شمسی سرمایه داری ایران را در بحران فرو برد و وضع زندگی کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش فلاکتبار کرد. مجموعه این شرایط اقتصادی و اجتماعی زمینه ساز انقلاب ۵۷ بود. مردمی که دیگر نمیتوانستند این شرایط را تحمل کنند برای در هم شکستن اختناق و برخورداری از یک زندگی انسانی و مرفه پیا خاستند

انقلاب ۵۷ چه بود و چرا شکست خورد؟

در سالروز قیام بهمن جا دارد یکبار دیگر به این سؤال بپردازیم. برای انقلابی که در راه است شناخت حقیقت انقلاب گذشته، حقیقتی که نه تنها از جانب رژیم، بلکه از طرف ناظرین و محققین و رسانه های غربی و حتی بسیاری از نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی انکار و تحریف میشود، امری حیاتی است. انقلاب ۵۷ یک جنبش عظیم توده ای بود برای رهائی و آزادی مردم پیا خاستند چون دیگر شرایط دیکتاتوری و اختناق زمان شاه را نمیخواستند و خواهان یک جامعه آزاد و برابر و مرفه بودند. آرمانهای آنروز مردم همانهایی است که امروز دوباره در جنبش وسیعی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز شده از طرف مردم دارد مطرح میشود: آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی تشکل و اعتصاب، افزایش دستمزدها و رفع تبعیضات و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی.

کسانی که شاهد انقلاب ۵۷ بوده اند و آن دوره را بیاد دارند میدانند که نقطه شروع انقلاب ۵۷ جنبش خارج محدوده ششبان بود یعنی اعتراضات کارگران و زحمتکشان شهری که از ابتدائی ترین امکانات رفاهی محروم بودند، نه خانه و سرپناهی داشتند و نه هیچ نوع امکانات زندگی. توده زحمتکشی که به شهرها رانده شده بود برای آنکه تحت شرایط خیلی سخت و با استثمار بالائی بیگاری کند و هیچ چیزی نداشته باشد. انقلاب را در واقع این توده زحمتکش شهری با طرح ابتدائی ترین خواستههای انسانی آغاز کرد. در ادامه این حرکت خواست آزادیها از جانب اقشار مختلف مردم مطرح شد. روشنفکران و دانشجویان در دانشگاهها جمع میشدند و تحت عنوان شهبای شعر اعتراضشان به دیکتاتوری را بیان میکردند، با ایجاد اولین شکافها در دیوار اختناق، مردم وسیعا به

را بکار بردند تا مردم را بخانه بفرستند و از تخریب بیشتر یادگانه و کلاترپها و مراکز ساواک بوسیله مردم قیام کننده جلوگیری کنند. بیدلیل نیست که امروز رژیم اسلامی و اپوزیسیون سلطنت طلبش هر دو از قیام بهمن متنفرند. یکی میخواهد آنرا زیر "دهه فجر" تحریف و دفن کند و دیگری آنرا شوم ترین روز تاریخ ایران مینامد. ۲۲ بهمن قیام مردم برعلیه هردو این نیروهای ارتجاعی بود.

و اما مردم بعد از قیام بخانه نرفتند. انقلاب با تحکیم کارگران بیکار، اعتصابات و مبارزات کارگری در تهران و اصفهان و دیگر شهرهای ایران، با تظاهرات زنان و مبارزات دانشجویی، خیزش زحمتکشان و دهقانان در ترکمن صحرا و کردستان ادامه پیدا کرد و جمهوری اسلامی تنها بتدریج و با رودروئی مستقیم و سرکوب و کشتار مردم و کمیونستها و نیروهای رادیکال توانست بالاخره انقلاب را کاملا بشکست بکشد. امروز ما شاهد شکل گیری زمینه های انقلاب دیگری در ایران هستیم. جنبش سرنگونی که امروز در ایران در جریان است در واقع ادامه جنبش شوراها، ادامه آزادیخواهی و برابری طلبی و رادیکالیسم کارگری انقلاب ۵۷، ادامه اعتصاب کارگران نفت و جنبش شورایی و شعار "برادری برابری حکومت کارگری" است که در آن انقلاب مطرح شد و ناکام ماند. نسل جدیدی از مردم پا بمیدان گذاشته اند اما خواست آزادی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی همانست که نسل گذشته برایش پیا خاست و شکست خورد. این بار اما پیروزی از آن مردم است. انقلابی که امروز در شرف شکل گیری است نیرو و توانی به مراتب عظیم تر و رادیکال تر از انقلاب ۵۷ را بمیدان خواهد آورد. این انقلاب زنان بر علیه آپارتاید جنسی است، انقلاب جوانان علیه سد قوانین ارتجاعی اسلام در ضدیت با یک زندگی شاد و مدرن و انسانی است، انقلاب توده وسیع مردم شریف و آزادیخواه علیه اختناق سیاه مذهبی است، این انقلاب کارگران علیه هارتترین و ارتجاعی ترین حکومت سرمایه در تاریخ ایران است. این صف عظیم، صف کارگران و زنان و جوانانی که برای آزادی و برابری بر میخیزد، امروز پرچم و برنامه خود را دارد. برنامه یک دنیای بهتر و حزب کمونیست کارگری پرچم و رهبر انقلابی است که از راه میرسد. ■

رفاه پیا خاسته بودند. انقلاب ۵۷ با شوراها، با اعتصاب کارگران نفت، با جنبش دانشجویان و با جنبش دهقانان و زحمتکشان کردستان و ترکمن صحرا و با شعار "برابری برادری حکومت کارگری" مشخص میشود. اسلام سیاسی در مقابل این شعار و این جنبشها قرار داشت. و بهمین دلیل هم آمریکا و دولتهای غربی وقتی متوجه شدند که از رژیم شاه دیگر کاری ساخته نیست، خمینی و اسلام خمینی را که از موضعی کاملا ارتجاعی با شاه مخالف بود، از کنج عزلت بیرون کشیدند و بجان انقلاب انداختند. کاری که شاه و شریف امامی و بختیار و ازهرای نتوانستند بکنند، خمینی و خیل آخوندهای ارتجاعی اش تحت نام انقلاب به سرانجام رساندند. این بخاطر بقدرت رسیدن نبود که اسلام سیاسی ارتجاعی شد، برعکس بدلیل ارتجاعی بودن بود که اسلام سیاسی بقدرت رسید و یا درست تر بگوئیم بقدرت رسانده شد. خمینی را به پاریس بردند، زیر نوافکن قرار دادند، تریبون در اختیارش گذاشتند و رهبرش کردند. و به این ترتیب به انقلاب رنگ اسلامی زده شد و سلاح "سرکوب انقلاب به نام انقلاب" حادای شد. عدم وجود یک نیروی چپ رادیکال و قوی، که خود یک "دستاورد" اختناق آریامهری در ایران بود، و وجود جریانات و سنتهای فکری و سیاسی ملی - مذهبی شبیه آنچه امروز در اپوزیسیون دوزخدادی شاهد هستیم، به غرب اجازه داد تا ارتجاعی ترین فرد تاریخ سیاسی معاصر ایران را بعنوان "انقلابی ترین مرد جهان" به مردم بفروشد. دیکتاتوری شاه نتوانست مستقیما در مقابل انقلاب بایستد اما شرایطی که اختناق شاهنشاهی در ایران بوجود آورده بود، گورستانی که سالها کمونیستها و نیروهای رادیکال و مترقی در آن سرکوب شده بودند، در نهایت انقلاب را بشکست کشید. جمهوری اسلامی تنها میتوانست از گورستان سیاسی که رژیم شاه فراهم کرده بود سر بر کند.

بعد از بقدرت رسیدن خصلت ضد انقلابی جمهوری اسلامی دیگر کاملا عیان شد و بر همه معلوم شد که رژیم جدید نه نتیجه و ارگان انقلاب بلکه عامل سرکوب آنست. قیام ۲۲ بهمن از پائین و علیرغم خواست خمینی و اسلامیونی که داشتند در توافق با بختیار بقدرت میخیزدند صورت گرفت. اینها در مقابل قیام ایستادند و تمام تلاششان

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England